

مطالعه‌ی تطبیقی-تحلیلی محوطه‌ی گچ‌سنگی گتوند براساس مدارک سفالی

حسن درخشی^۱

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/mbs.2019.14130.1618
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۰۷
(از ص ۳۷ تا ۵۴)

چکیده

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی، واحد شوشتر،
دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر
derakhshi.hassan@gmail.com

سفال در جایگاه چونان ماده‌ی فرهنگی، مدرک مهمی برای دست‌یابی به گاهنگاری و شناخت دوره‌های استقرار در هر محوطه‌ی باستانی است. یکی از محوطه‌های مهم و شاخص از نظر داده‌های فرهنگی، به‌ویژه یافته‌های سفالی، محوطه‌ی گچ‌سنگی شهرستان گتوند است. این محوطه در شمال دشت شوشان و در کنار رودخانه‌ی کارون است. در راستای کاوش آموزشی محوطه، مقادیری سفال در بررسی سطحی و محدودده‌ی کارگاه I و گمانه‌های آن گردآوری و مبنای پژوهشی بر بنیاد چند پرسش گردید. پرسش‌های اصلی مطرح در این پژوهش عبارتند از: ۱- گونه‌های شاخص سفالی از چه نوع و منقش به چه طرح‌هایی است؛ ۲- این گونه‌ها به کدام فازها تعلق دارد؟ در ضمن، بررسی تحلیلی وضعیت و جایگاه محوطه در بین محوطه‌های دشت شوشان مسأله‌ی دیگر این پژوهش است. برای رسیدن به پاسخ‌های مستدل ۸۶ قطعه سفال شاخص انتخاب شد و با روش تطبیقی-تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که بیشترین سفال‌ها از گونه‌ی دهانه‌باز مانند کاسه‌ها و لیوان‌ها است. غیر از تعداد انگشت‌شمار که دارای نقوش حیوانی، مابقی منقش به طرح‌های هندسی است و از منظر زمانی متعلق به فازهای شوشان میانی و متأخر است. به عبارتی از منظر گاهنگاری سفالی می‌توان گفت: این زیستگاه در اواخر هزاره‌ی ششم و اوایل هزاره‌ی پنجم قبل از میلاد (شوشان میانی) شکل گرفته بود؛ مسأله‌ای که در بررسی‌های پیشین باستان‌شناسی چون هنری رایت (۱۹۶۹) این فاز زمانی در محوطه شناسایی نشده بود. این محوطه بی‌وقفه از زمان شکل‌گیری در فاز مذکور تا واپسین دوران آغازشهرنشینی محل سکونت بوده است. همچنین مطالعه و مقایسه‌ی سبکی و تکنیکی سفال‌های شاخص نشان می‌دهد، صرف‌نظر از استمرار برخی گونه‌ها، به تناسب تغییر و نفوذ سنت سفالی، به‌ویژه در شوشان جدید ۱، این محوطه نیز بی‌تأثیر از این تحولات نبوده و روابط فرهنگی با سایر مناطق فرهنگی داشته است.

کلیدواژگان: دشت شوشان، محوطه‌ی گچ‌سنگی، گونه‌شناسی، تطبیق سفالی، گاهنگاری نسبی.

مقدمه

سفال پایاترین داده‌ای است که تغییرات سبکی، فرهنگی و به تناسب آن، دوره‌های زمانی را داراست و در صورتی که در یک چهارچوب منظم مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد می‌توان از آن به‌عنوان یک سند و مدرک معتبر در باستان‌شناسی استفاده نمود. یکی از مهم‌ترین بازده آن، از منظر گاهنگاری است که با تطبیق نمونه‌های شاخص آن با مناطق همجوار می‌توان زمان نسبی ساخت و به تناسب آن به قدمت بافت آن پی‌برد (توحیدی، ۱۳۸۶: ۱۲۲). این ماده‌ی فرهنگی به جهت تولید فراوان و مداوم همیشه با دگرگونی‌ها و نوآوری‌ها، به‌ویژه در شکل (فرم) و نقش همراه بوده است که بخشی از آن بر اثر تطور و رشد درونی فرهنگ در طول زمان به‌وجود می‌آید و بخش دیگر به علت پیوندهای فرهنگی و اقتصادی با جوامع دور و نزدیک پدیدار می‌شد (یاری و طلایی، ۱۳۸۴: ۶۲). مطالعه‌ی همین ویژگی‌های سفالینه‌ها در دوران پیش‌ازتاریخ، مدرکی مهم برای گاهنگاری نسبی محوطه‌ها و مقایسه با یکدیگر است. به دلیل اهمیت همین داده و تنوع و فراوانی آن در محوطه‌های باستان‌شناسی، تاکنون باستان‌شناسان بی‌شماری از جنبه‌های مختلف به بررسی آن پرداخته‌اند (از جمله: مجیدزاده، ۱۳۷۰؛ علیزاده، ۱۳۸۱؛ طلایی، ۱۳۹۰؛ ساعدموچشی و همکاران، ۱۳۹۰؛ ساعدموچشی و همکاران، ۱۳۹۶؛ مظاهری، ۱۳۹۷). در محوطه‌ی گچ‌سنگی (شهرستان گتوند) واقع در حوزه‌ی دشت شوشان نیز نخستین بار به قصد آموزش دانشجویان باستان‌شناسی، کاوشی در محدوده‌ی کارگاه I صورت گرفت و همچنین در بررسی سطحی تپه (درختی، ۱۳۹۰) نیز سفال‌های بی‌شماری به‌صورت تصادفی جمع‌آوری گردید. در این پژوهش، ضمن مطالعه‌ی سفالینه‌های شاخص پیش‌ازتاریخی محوطه، گاهنگاری نسبی، و تحلیل وضعیت و جایگاه محوطه، نخستین بار در این تحقیق ارائه می‌شود.

اهداف و ضرورت پژوهش: ضرورت اصلی از بررسی و گمانه‌زنی در محوطه، ضمن آموزش و تعیین عرصه و حریم آن، طبقه‌بندی و مطالعه‌ی داده‌هایی همچون سفالینه‌ها به قصد لایه‌نگاری و به تناسب آن، گاهنگاری محوطه بود و هدف دیگر این پژوهش بر مبنای همین داده‌ها شناخت ارتباطات محوطه با مناطق همجوار و فرامنطقه‌ای بود که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

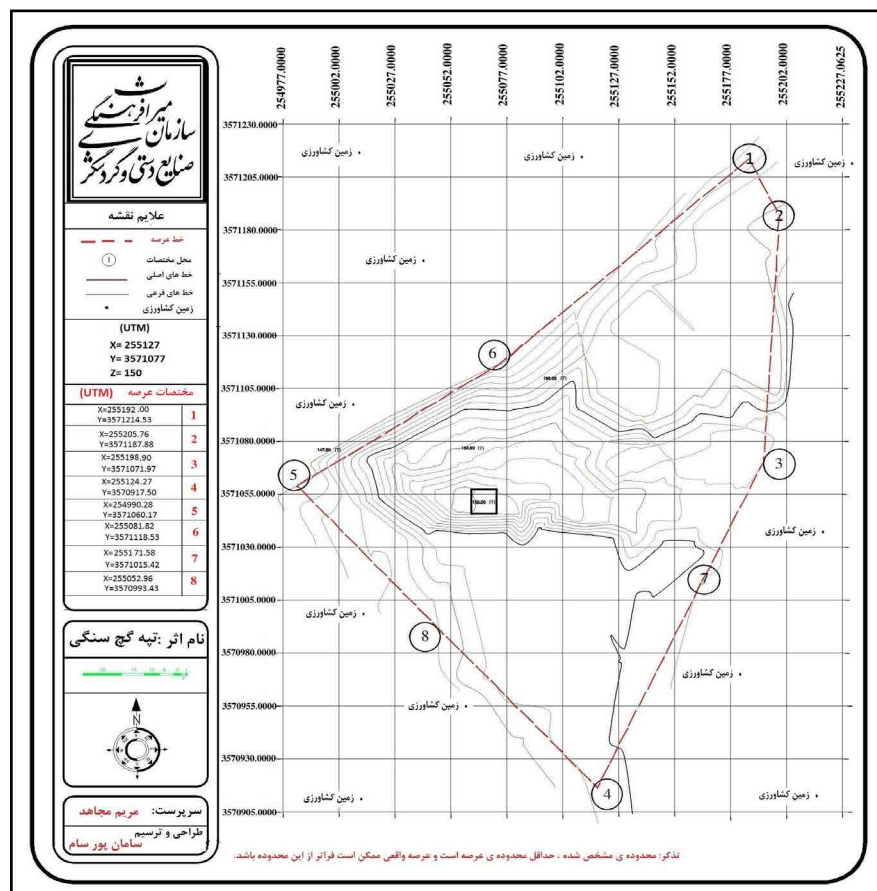
پرسش و فرضیات پژوهش: پرسش‌های اصلی مطرح در این پژوهش عبارتند از: ۱- گونه‌های شاخص سفالی از چه نوع و منقش به چه طرح‌هایی است؟ ۲- این گونه‌ها به کدام فازها تعلق دارد؟ ۳- وضعیت و جایگاه محوطه در بین محوطه‌های دشت شوشان به چه صورت است؟

بر همین اساس، فرضیات عبارتند از: گونه‌های سفالی مورد مطالعه، بیشتر از نوع کاسه‌های بزرگ و لیوان‌هاست که به‌غیر از چند نمونه، مابقی منقش به طرح‌های متعدد هندسی هستند و از نظر زمانی نیز متعلق به شوشان میانی متأخر و شوشان جدید هستند. این محوطه به دلیل مکان‌گزینی مناسب و واقع شدن در مسیر ارتباطی از زمان شکل‌گیری در شوشان میانی متأخر تا واپسین فازهای شهرنشینی بی‌وقفه مورد سکونت قرار گرفته است.

روش تحقیق: هم‌چنان‌که ذکر گردید، چون هدف از مطالعه‌ی سفال‌های محوطه‌ی گچ‌سنگی، در وهله‌ی اول به‌دست آوردن گاهنگاری نسبی محوطه و به تناسب آن پی‌بردن به روابط فرهنگی محوطه، با مناطق هم‌جوار مدنظر می‌باشد؛ در این راستا ضمن طبقه‌بندی و تحلیل آماری داده‌های سفالی (درخشی، ۱۳۹۰)، مقادیری سفال شاخص - که هم از بررسی سطحی و هم از محدوده‌ی کاوش به‌دست آمده بود- صرفاً از منظر فرم، شکل و تزئین مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفت؛ شیوه‌ای که جهت سالیابی نسبی محوطه‌ها به‌کار می‌رود. بدین ترتیب با کمک این روش تطبیقی سفالی، گاهنگاری نسبی محوطه منطبق بر گاهنگاری رایج حوزه‌ی دزو و شوشان مرکزی که دلوگاز و هلن کنتور مطرح کردند (Delougaz & Kantor, 1996) و عباس علیزاده (Alizadeh, 2003؛ علیزاده ۱۳۸۷) تصحیح کرده بود، حاصل گردید و همچنین با کمک همین روش تطبیق سفالی روابط فرهنگی محوطه با سایر مناطق مورد بررسی و تحلیل شد.

پیشینه‌ی پژوهش

در مورد پیشینه‌ی باستان‌شناختی محوطه‌ی گچ‌سنگی می‌توان از بررسی‌های مک آدامز نام برد. در بررسی‌های او، محوطه‌ی گچ‌سنگی به شماره‌ی KS.173 ثبت است (Adams, 1962). در بررسی‌های هنری رایت در منطقه‌ی گتوند و عقیلی (شکل ۱) ابعاد و عرصه‌ی این محوطه‌ی باستانی در تراز متری و در جهات شمال غربی -



شکل ۱. طرح بازنگری عرصه‌ی تقریبی محوطه‌ی گچ‌سنگی (محدوده‌ی رنگ قرمز موقیت کارگاه A، (نگارنده، ۱۳۹۴).

جنوب شرقی ۲۴۰ متر، شمال شرقی- جنوب غربی ۱۸۰ متر و ۵ متر از سطح زمین‌های اطراف بود (Wright, 1969: 11). در بررسی دوره‌ی محور گریگوری جانسون، با هدف بررسی و تحلیل سازمان اداری اوروک در دشت شوشان، و طبق نقشه برداری ایشان، محوطه در حدود ۳ هکتار و ۶ متر از سطح زمین‌های اطراف مرتفع‌تر بود (Johnson, 1973: plate, XX)؛ در حال حاضر به دلیل دخل و تصرفات، عرصه‌ی کنونی آن کمتر از حد مذکور است. سرانجام این محوطه نخستین بار به قصد آموزش دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر مورد نقشه برداری و کاوش قرار گرفت (درخشی، ۱۳۹۰)؛ بدین ترتیب در طی یک فصل کاوش، یک کارگاه I در ابعاد ۵×۵ متر در جهت شمالی- جنوبی و در رأس تپه ایجاد گردید و تا پایان فصل کاوش به دلیل محدودیت زمانی کاوش در کارگاه I و گمانه‌ی پیشرو آن (ابعاد ۲×۲ متر)، هرچند به خاک بکر نرسید، و با استفاده از سیستم لایه و فیچر، ۲۲ نهشته‌ی فرهنگی شناسایی گردید، که به ترتیب از بالا به پایین تا لایه‌ی ۱۴، لایه‌ها متعلق به شوش II جدید و از آن لایه تا لایه‌ی ۲۲، شواهد سفالی شوش II جدید و شوشان جدید ۲ آمیخته باهم در لایه‌ها بود (شکل‌های ۲-۴)، (درخشی و همکاران، ۱۳۹۴).



▲ شکل ۲. محوطه‌ی گج‌سنگی، دید از جنوب شرق (نگارنده، ۱۳۹۰).



▲ شکل ۳. وضعیت کارگاه I گج‌سنگی در مراحل پایانی (نگارنده، ۱۳۹۰).



▲ شکل ۴. برش دیواره جنوبی گمانه‌ی پیشرو در داخل کارگاه I همراه با تفکیک دوره‌ها برمبنای شواهد سفالی (نگارنده، ۱۳۹۰).



▲ شکل ۵. موقعیت جغرافیایی محوطه‌ی گج‌سنگی در جنوب شهر گتوند، استان خوزستان (Google Earth, 2018).

موقعیت جغرافیایی شهرستان گتوند و محوطه‌ی گج‌سنگی

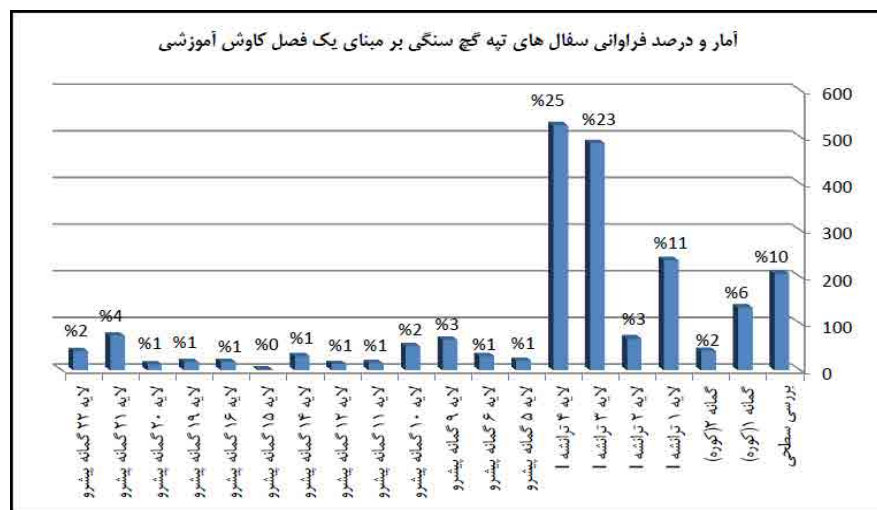
شهرستان مذکور در شمال استان خوزستان قرار دارد، از لحاظ توپوگرافی، مناطق شمالی این شهرستان، کوهستانی و مناطق جنوبی آن مسطح است. همین ویژگی توپوگرافی تعیین‌کننده‌ی الگوی استقراری و مکان‌گزینی منطقه در ادوار مختلف گردیده است؛ به طوری که در بخش کوهستانی این شهرستان، استقرارهای کوچ‌روی، غارنشینی و استحکامات دفاعی، چون قلاع، و در بخش مسطح، تپه‌ها- که در اصل بیشتر زیستگاه‌های روستایی- قرار دارد. محوطه‌ی گج‌سنگی نیز در جنوب شهر گتوند و در جانب چپ مسیر ورودی شوشتر به گتوند در کنار یک مسیل طبیعی منتهی به رودخانه‌ی کارون قرار دارد. موقعیت آن به طور دقیق در طول جغرافیایی $32^{\circ} 12' 52.16''$ و عرض جغرافیایی $48^{\circ} 48' 03.54''$ درجه است (شکل ۵).

توالی دشت شوشان

هلن کنتور، توالی زمانی شوشان پیش از تاریخ را بر مبنای حوزه‌ی مرکزی دشت شوشان (پیرامون رودخانه‌ی دز) و کاوش در محوطه‌های شاخصی چون: چغامیش، چغابنوت و بنه‌فضیلی، به پنج دوره‌ی کلی تقسیم کرده است که عبارتند از: دوره‌های شکل‌گیری، عتیق، میانه و جدید (علیزاده، ۱۳۸۲). البته ایشان دوره‌ی شوشان میانه را به سه فاز ۱-۳ تقسیم کرده بود، ولی به دلیل عدم قطعیت کافی در مورد وضعیت لایه‌نگاری و تعریف فاز شوشان میانه‌ی ۲، در بازنگری مجدد آن، به دو فاز شوشان میانی متقدم و متأخر تقسیم‌بندی نموده است (علیزاده، ۱۳۹۱: ۱۰۲). دوره‌ی شوشان جدید (هزاره‌ی پنجم) نیز به دو فاز شوشان جدید ۱ و ۲ تقسیم می‌شود؛ این فاز، آخرین مرحله‌ی استقرار در روستاهای دشت شوشان است. بعد از این فازها در دشت شوشان، دوره‌ی شوش B یا II شروع می‌شود که همزمان است با دوره‌ی اوروک در بین‌النهرین.



سفال‌های محوطه‌ی گچ‌سنگی

حاصل یک فصل کاوش آموزشی در محوطه‌ی گچ‌سنگی، و در کارگاه I و گمانه‌ی پیشرو آن، گمانه‌های ۱ و ۲ (پیرامون کوره‌ها) و همچنین از بررسی سطحی، در مجموع ۱۰۷۳۹ قطعه سفال قرمز، نخودی و خاکستری گردآوری شد که آمار آن‌ها براساس رنگ بدین‌قرار است: سفال نخودی ۵۳۱۶ قطعه، سفال قرمز ۵۲۹۵ قطعه، و خاکستری ۱۲۸ قطعه (نمودار ۱). از میان مجموعه سفال‌های به دست آمده ۱۷۱۲ قطعه از کارگاه I و گمانه‌ی پیشرو آن و ۲۰۷ قطعه از بررسی سطحی و ۱۳۵ قطعه نیز از داخل و پیرامون گمانه‌ی ۱ (کوره‌ی شماره‌ی ۱) و ۴۲ قطعه نیز از داخل و پیرامون گمانه‌ی ۲ (کوره‌ی شماره‌ی ۲) به دست آمد. از میان این سفالینه‌ها در مجموع ۲۱۹۶ قطعه -که حدوداً کل سفال‌های فصل اول کاوش این محوطه است- انتخاب، طبقه‌بندی و تحلیل شد (ر.ک. به: درخشی، ۱۳۹۰). از میان این سفالینه‌ها نیز ۸۶ قطعه انتخاب، و در این مقاله تطبیق و ارزیابی شده است (شکل ۶).



شکل ۶. آمار و درصد سفال‌های گچ‌سنگی (نگارنده، ۱۳۹۰).

جدول ۱. تطبیق و مقایسه‌ی سفال‌های گچ‌سنگی (KS.173)، (نگارنده، ۱۳۹۰).

منبع مقایسه	موارد مقایسه		نوع شباهت	کارگاه/گمانه / سطح	شکل طرح (نمونه از گچ سنگی)	ردیف
	دوره / طبقه / لایه / فاز	نام محوطه		لایه		
دلفوس، ۱۳۷۶:۲۵، شکل ۱۰:۱۶ دلفوس، ۱۳۷۶:۳۵، شکل ۱۰:۱۶ دلفوس، ۱۳۷۶:۳۵، شکل ۱۰:۱۶ Dollfus, 1978: P.163: Fig.16: 10 Dollfus, 1983: P.83: Fig.26: 8 Delougaz & Kantor, 1996: Plate 172, G Alizadeh, 2003: P.51: Fig.21: N مقدم، ۱۳۸۶: ۵۴، شکل ۱۶: ۴	II، ۱۰-۵، شوشان میانی جدید، ۱۷-۲۲، شوشان میانی جدید، II، ۳m-n، شوشان میانی جدید، شوشان میانی جدید شوشان میانی جدید شوشان میانی جدید	جوی بندبال جعفرآباد چغامیش چغابنوت ابوچیزان	فرم و نقش	بررسی سطحی		۱
Delougaz & Kantor, 1996: plate 183, A-B, D Dollfus, 1976: p. 103: Fig. 22: 142-143 Weiss, 1976: p. 103: Fig. 22: 142-143 Wright, 1981: Fig. 23: 1 مقدم، ۱۳۸۶: ۵۴، شکل ۵: ۴ Dittmann, 1984: Fig. 22: 13, 32: 20	شوشان میانی جدید II، ۱۴، شوشان میانی جدید شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱	چغامیش بندبال قبرشبخین فرخ آباد ابوچیزان بررسی زهره-بهبهان	فرم و نقش	بررسی سطحی		۲
Delougaz & Kantor, 1996: Plate 183, A-B, D Dollfus, 1983: P.91: Fig.31: 7 Dollfus, 1983: P.233: Fig. 81: 6 Weiss, 1976: P.103: Fig. 22: 142-143 Wright, 1981: Fig. 23: 1 مقدم، ۱۳۸۸: شکل ۱۶: ۵ و شکل ۱۷: ۱۱ Dittmann, 1984: Fig. 21: 20	شوشان میانی جدید II، ۱۱، شوشان میانی جدید II، ۱۴، شوشان میانی جدید شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱	چغامیش جوی بندبال قبرشبخین فرخ آباد مشول ۳ بررسی زهره-بهبهان	فرم و نقش	بررسی سطحی		۳
Weiss, 1976: P.93, 95, 110: Fig. 12: 3, 14: 27, 29: 3 Dollfus, 1983: P.218: Fig. 73: 1 Wright, 1981: Fig. 15: h مقدم، ۱۳۸۸: شکل ۲: ۲۳	شوشان جدید ۱ II، ۱۶، شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱	قبرشبخین بندبال فرخ آباد مشول ۳	فرم و نقش	بررسی سطحی		۴
Dollfus, 1983: P.91: Fig.31: 10 Dollfus, 1983: P.187: Fig.56: 12 Delougaz & Kantor, 1996: Plate 184: G-H مقدم، ۱۳۸۳: شکل ۱۰: ۲۴ Dittmann, 1984: Fig. 23: 2 Hole, Flannery & Neely, 1969: P.156: Fig.61: f	II، ۱۱، شوشان میانی جدید II، ۱۹-۲۳، شوشان میانی جدید شوشان میانی جدید شوشان میانی جدید شوشان میانی جدیدفاز مهمه	جوی بندبال چغامیش ابوچیزان بررسی زهره-بهبهان	فرم و نقش	نقش		۵
Dollfus, 1983: P.215: Fig.71: 17 Delougaz & Kantor, 1996: plates, 171: A 183: L مقدم، ۱۳۸۳: شکل ۹: ۲۴ Dittmann, 1984: Fig. 6: 4, 52: 18	II، ۱۶، شوشان میانی جدید شوشان میانی جدید شوشان میانی جدید شوشان میانی جدید	بندبال چغامیش ابوچیزان بررسی زهره-بهبهان	فرم و نقش	بررسی سطحی		۶
Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 163: Q 169: O, 173: G, 184: Q علیزاده، ۱۳۸۲: شکل ۴۰: L Dittmann, 1984: Fig. 59: 16 Weiss, 1976: P.97: Fig. 16: 67	شوشان میانی جدید شوشان میانی جدید شوشان میانی جدید شوشان میانی جدید	چغامیش بررسی زهره-بهبهان قبرشبخین	فرم و نقش	بررسی سطحی		۷
Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 183: M, R, J	شوشان میانی جدید	چغامیش	فرم و نقش	بررسی سطحی		۸
Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 184: A	شوشان میانی جدید	چغامیش	فرم و نقش	بررسی سطحی		۹

Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 183: O Dollfus, 1983: P.91: Fig.31: 8	شوشان میانی جدید ۱۱، II، شوشان میانی جدید	چغامیش جوی	فرم و نقش	بررسی سطحی		۱۰
مقدم، ۱۳۸۵: ۵۳۵، شکل ۱۵۵: ۷ مقدم، ۱۳۸۸: ۱۷۲، شکل ۲۳: ۲	شوشان جدید ۱	مشول ۳	فرم و نقش	بررسی سطحی		۱۱
مقدم، ۱۳۸۵: ۵۲۹، شکل ۱۵۲: ۱۲ Moghaddam & Miri, 2003: P.106: Fig.11: 10	شوشان جدید ۱	مشول ۳	فرم و نقش	بررسی سطحی		۱۲
Weiss, 1976: P.110: Fig: 29: 3	شوشان جدید ۱	قبر شیخین	فرم و نقش	بررسی سطحی		۱۳
Weiss, 1976: P.101: Fig: 20: 110 Dittmann, 1984: P.61, Abb.3f, 54b	شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱	قبر شیخین بررسی زهره-بهمپهان	فرم و نقش	بررسی سطحی		۱۴
Weiss, 1976: P.94: Fig: 13: 20 علیزاده، ۱۳۸۷: ۱۱۳، شکل ۱۹	شوشان جدید ۱	قبر شیخین	فرم و نقش	بررسی سطحی		۱۵
Dollfus, 1978: P.164: Fig.17.3 Weiss, 1976: P.94: Fig: 13: 17 Dollfus, 1971: Fig.12: 5	۱۱-۱۶، شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱ III، ۱-۳، شوشان جدید ۲	بندبال قبر شیخین	فرم و نقش	بررسی سطحی		۱۶
Dollfus, 1971: Fig.11: 6 Le Brun, 1971: Fig.36: 7	III، ۳-۱، شوشان جدید ۲ ۲۷، آکرویل، شوشان جدید ۲	جعفرآباد شوش	فرم و نقش	بررسی سطحی		۱۷
مقدم، ۱۳۸۸: ۱۵۴، شکل ۱۴: ۱۶ زاگارل، ۱۳۸۸: ۱۷۷، شکل ۱۹: ۱۲	شوشان جدید ۱ مس و سنگ میانه (شوشان میانی جدید)	مشول ۳ تل بلند آلونی	فرم و نقش	بررسی سطحی		۱۸
-	شوشان جدید ۱		فرم و نقش	بررسی سطحی		۱۹
Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 174: D Haerinc & Overlaet, 1996: Fig.42: 14 Alizadeh, 2003: P.53: Fig.22: E	شوشان میانی جدید Area A، شوشان جدید ۱ شوشان میانی جدید	چغامیش پرچینه چغابوت	فرم و نقش	بررسی سطحی		۲۰
مقدم، ۱۳۸۸: ۱۳۸، شکل ۶: ۱۶	شوشان جدید ۱	مشول ۳	فرم و نقش	بررسی سطحی		۲۱
مقدم، ۱۳۸۸: ۱۷۲، شکل ۶: ۱۲، ۲۳: ۱	شوشان جدید ۱	مشول ۳	فرم و نقش	بررسی سطحی		۲۲
Weiss, 1976p: 110: Fig.29: 9	شوشان جدید ۱	قبر شیخین		بررسی سطحی		۲۴
Dittmann, 1984: Fig.36: 3 خسرو زاده، ۱۳۹۱: ۱۷۶، شکل ۵: ۱۴ علیزاده، ۱۳۸۲: ۱۸۹، شکل R: ۶۸	شوشان جدید ۱ کالکولیتیک میانی شوشان جدید	بررسی زهره-بهمپهان دشت فارسان	فرم و نقش	بررسی سطحی		۲۵
	شوشان جدید؟			بررسی سطحی		۲۶
مقدم، ۱۳۸۸: ۱۴۰، شکل ۷: ۲۳	شوشان جدید ۱	مشول ۳	فرم	بررسی سطحی		۲۷
علیزاده، ۱۳۸۳: ۳۳۱، شکل ۵۲: ۹	IV، فارس جدید	باکون الف	نقش	بررسی سطحی		۲۸
Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 187: B	شوشان میانی جدید	چغامیش	نقش	بررسی سطحی		۲۹
علیزاده، ۱۳۸۲: ۱۱۹، شکل T: ۳۳ Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 176: D	شوشان میانی جدید شوشان میانی جدید	چغامیش	فرم و نقش	بررسی سطحی		۳۰
	شوشان جدید؟			بررسی سطحی		۳۱
علیزاده، ۱۳۸۲: ۱۰۹، شکل D: ۲۸ علیزاده، ۱۳۸۷: ۱۱۳، شکل ۱۹	شوشان میانی جدید شوشان جدید ۱	-	فرم و نقش	بررسی سطحی		۳۲
درخشى و ممبى، ۱۳۹۰: ۱۰۲، تصویر: ۵ Dittmann, 1984: Fig.44: 20 Egami & Sono, 1962: Fig.16: 9 مقدم، ۱۳۸۴: ۵۳۹، شکل ۱۵۷: ۱۲	شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱	سرتولی بررسی زهره-بهمپهان تل گپ مشول ۳	نقش	بررسی سطحی		۳۳
درخشى و ممبى، ۱۳۹۰: ۱۰۲، تصویر: ۵ Dittmann, 1984: Fig.39: 11	شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱	سرتولی بررسی زهره-بهمپهان	نقش	بررسی سطحی		۳۴

Dollfus, 1971: Fig. 14: 12	شوشان جدید ۲، III-۱، ۳	جعفرآباد	نقش	بررسی سطحی		۳۵
Dittmann, 1984: Fig. 50: 15	شوشان جدید ۱؟		نقش	بررسی سطحی		۳۶
Weiss, 1976: P. 95: Fig. 14: 21, 28 Dittmann, 1984: Fig. 24: 12	شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱	قبر شیخین بررسی زهره-بهمهان	نقش	بررسی سطحی		۳۷
Langsdorff & McCown, 1942: Plate. 42: 9, 58: 3	IV, I، فارس جدید	باکون الف	نقش	بررسی سطحی		۳۸
Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 191: H Wright, 1981: Fig. 20: 1, 7 Weiss, 1976: P. 96: Fig. 15: 39	شوشان میانی جدید شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱	چغامیش فرخ آباد قبر شیخین	نقش	بررسی سطحی		۳۹
مقدم، ۱۳۸۸: ۷۲، شکل ۷: ۲۳ Weiss, 1976: P. 98: Fig. 17: 74, 76 Haerincq & Overlaet, 1996: Fig. 43: 4	شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱ Area, B، شوشان جدید ۱	مشول ۳ قبر شیخین پرچینه	نقش	بررسی سطحی		۴۰
Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 160: P	شوشان جدید ۲	چغامیش	نقش	بررسی سطحی		۴۱
Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 179: B علیزاده، ۱۳۸۳: ۲۷۳، شکل ۲۶: ۲۳	شوشان میانی جدید فارس میانه ۱	چغامیش تل باکون ب	نقش	بررسی سطحی		۴۲
-	شوشان جدید؟			بررسی سطحی		۴۳
-	شوشان جدید؟			بررسی سطحی		۴۴
Dollfus, 1983: P. 247: Fig. 88: 22, 23	III، ۱۰، شوشان جدید ۲	بندبال	نقش	بررسی سطحی		۴۵
Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 160: F	شوشان جدید ۲	چغامیش	نقش	بررسی سطحی		۴۶
علیزاده، ۱۳۸۲: ۱۹۵، شکل A: ۷۱ زیدی، ۱۳۹۱: ۱۶۳، شکل ۵: ۶ Hole: Flannery & Neely, 1969: P. 154: Fig. 60: g	شوشان میانی جدید کالکولیتیک میانی (میمه) فاز میمه	چغامیش بررسی دهلران دهلران	نقش	بررسی سطحی		۴۷
Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 188: F, 191: w	شوشان میانی جدید	چغامیش	نقش	بررسی سطحی		۴۸
Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 188: E, 191: R	شوشان میانی جدید	چغامیش	نقش	بررسی سطحی		۴۹
Dittmann, 1984: Fig. 6: 3	شوشان جدید	بررسی زهره-بهمهان چغامیش جعفرآباد و شوش؟	نقش	بررسی سطحی		۵۰
Weiss, 1976: P. 110: Fig. 29: 3 علیزاده، ۱۳۸۷: ۱۱۳، شکل ۱۹ Wright, 1999: P. 79: Fig. 3: f	شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱ فاز فرخ، شوشان جدید ۱	قبر شیخین - -	نقش	بررسی سطحی		۵۱
Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 166: A	شوشان میانی جدید	چغامیش	نقش	بررسی سطحی		۵۲
زاگارل، ۱۳۸۸: ۱۷۸، شکل ۲۰: ۱۳	S13، مس و سنگ میانی	چغات اسکندری	نقش	بررسی سطحی		۵۳
Weiss, 1976: P. 98: Fig. 17: 70 Egami & Sono, 1962: Fig. 23: 6	شوشان جدید ۱	قبر شیخین	نقش	بررسی سطحی		۵۴
Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 161: D	شوشان جدید ۲	چغامیش	نقش	بررسی سطحی		۵۵
مقدم، ۱۳۸۸: ۱۴۸، شکل ۱۱: ۱۳	شوشان جدید ۱	مشول ۳	نقش	بررسی سطحی		۵۶
مقدم، ۱۳۸۸: ۱۵۲، شکل ۱۳: ۳۵، ۴۰: ۱۵	شوشان جدید ۱	مشول ۳	فرم و نقش	بررسی سطحی		۵۷

Dollfus, 1983: P.83: Fig.26: 6	۱۲، II، شوشان میانی جدید	جوی	نقش	بررسی سطحی		۵۸
Steve & Gasche, 1971: Plate, 35: 2	شوشان جدید ۲	شوش	فرم	کارگاه: ۱ لایه (سطحی)		۵۹
Steve & Gasche, 1971: Plate, 35: 3	شوشان جدید ۲	شوش	فرم	کارگاه: ۱ لایه (سطحی)		۶۰
Dollfus, 1983: P.91: Fig.31: 2 Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 163: W Alizadeh, 2003: P.53: Fig.22: F	۱۱، II، شوشان میانی جدید شوشان میانی جدید شوشان میانی جدید	جوی چغامیش چغابوت	نقش	کارگاه: ۱ لایه (سطحی)		۶۱
Weiss, 1976: P.106: Fig.25: 203 مقدم، ۱۳۸۸: ۱۵۲، شکل ۱۳: ۳۴	شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱	قبر شیخین مشول ۳	نقش	کارگاه: ۱ لایه (سطحی)		۶۲
Weiss, 1976: P.94: Fig.13: 13	شوشان جدید ۱	قبر شیخین	نقش	کارگاه: ۱ لایه (سطحی)		۶۳
مقدم، ۱۳۸۸: ۱۴۶، شکل ۱۰: ۲۱ Dittmann, 1984: Fig.53: 3, 6	شوشان جدید ۱ شوشان جدید ۱	مشول ۳ بررسی زهره-بهمهان	نقش	کارگاه: ۱ لایه (سطحی)		۶۴
درختی و ممبئی، ۱۳۹۰: ۱۰۲، تصویر k: ۵	شوشان جدید ۱	سرتولی	نقش	کارگاه: ۱ لایه (سطحی)		۶۵
-	شوشان جدید؟			کارگاه: ۱ لایه		۶۶
Le Brun, 1971: Fig.36: 8	۱، ۲۵-۲۷، شوشان جدید ۲	آکروپل شوش	نقش	کارگاه: ۳ لایه		۶۷
Delougaz & Kantor, 1996: plates, 184: Q	شوشان میانی جدید	چغامیش	فرم و نقش	کارگاه: ۴ لایه		۶۸
	شوشان جدید			کارگاه: ۴ لایه		۶۹
Weiss, 1976: p. 95: Fig.14: 28	شوشان جدید ۱	قبر شیخین	نقش	کارگاه: ۴ لایه		۷۰
Steve & Gasche, 1971: Plate, 39: 7	شوشان جدید ۲	شوش	فرم	کارگاه: ۱۴ لایه		۷۱
Steve & Gasche, 1971: Plate, 40: 5	شوشان جدید ۲	شوش	نقش	کارگاه: ۱۹ لایه		۷۲
Steve & Gasche, 1971: Plate, 34: 20 Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 161: N	شوشان جدید ۲ شوشان جدید ۲	شوش چغامیش	فرم	کارگاه: ۱۹ لایه		۷۳
Dollfus, 1971: Fig.17: 6 Delougaz & Kantor, 1996: Plates, 161: C	III، ۳-۱، شوشان جدید ۲ شوشان جدید ۲	جعفرآباد چغامیش	نقش	کارگاه: ۲۰ لایه		۷۴
-	شوشان جدید ۲		نقش	کارگاه: ۲۰ لایه		۷۵
-	شوشان جدید			کارگاه: ۲۱ لایه		۷۶
Steve & Gasche, 1971: Plate, 35: 6	شوشان جدید ۲	شوش	نقش؟	کارگاه: ۲۱ لایه		۷۷
مقدم، ۱۳۸۸: ۱۷۲، شکل ۲۳: ۲	شوشان جدید ۱	مشول ۳	فرم	گمانه: ۱ لایه سطحی		۷۸
Weiss, 1976: P.84: Fig.10: 5	شوشان جدید ۱	قبر شیخین	فرم	گمانه: ۱ لایه سطحی		۷۹
مقدم، ۱۳۸۸: ۱۷۲، شکل ۲۳: ۲	شوشان جدید ۱	مشول ۳	فرم	گمانه: ۱ لایه سطحی		۸۰
Dollfus, 1971: Fig.18: 3	III، ۲، شوشان جدید ۲	جعفرآباد	نقش	گمانه: ۱ لایه سطحی		۸۱
Dollfus, 1971: Fig.18: 4, 7	III، ۳-۱، شوشان جدید ۲	جعفرآباد	نقش	گمانه: ۱ لایه سطحی		۸۲
Weiss, 1976: P.93: Fig.12: 4	شوشان جدید ۱	قبر شیخین	نقش؟	گمانه: ۱ لایه سطحی		۸۳

Le Brun, 1971: Fig.36:6	۱، ۲۵-۲۷، شوشان جدید ۲	آکروپول شوش	نقش	گمانه ۱؛ لایه سطحی		۸۴
Delougaz & Kantor, 1996: plates, 161: C	شوشان جدید ۲	چغامیش	نقش	گمانه ۱؛ لایه سطحی		۸۵
Dittmann, 1984: Fig.26:4	شوشان جدید ۱	بررسی زهره-بهبهان	نقش	گمانه ۲؛ لایه سطحی		۸۶

مطالعه تطبیقی سفال‌های شاخص پیش‌ازتاریخی (شوشان میانی و جدید) گچ‌سنگی

در جدول تطبیقی (جدول ۱)، سفال‌های شاخص گچ‌سنگی - که از بررسی سطحی محوطه، کارگاه I و گمانه‌ی پیشرو آن، گمانه‌های ۱ و ۲ (داخل و پیرامون کوره‌ها) - گردآوری و انتخاب، و بر مبنای دو مؤلفه‌ی فرم و تزئین با سفالینه‌های محوطه‌های همزمان در مناطق پیرامون و فرامنطقه‌ای مقایسه و در ادامه مورد تحلیل قرار گرفته است.

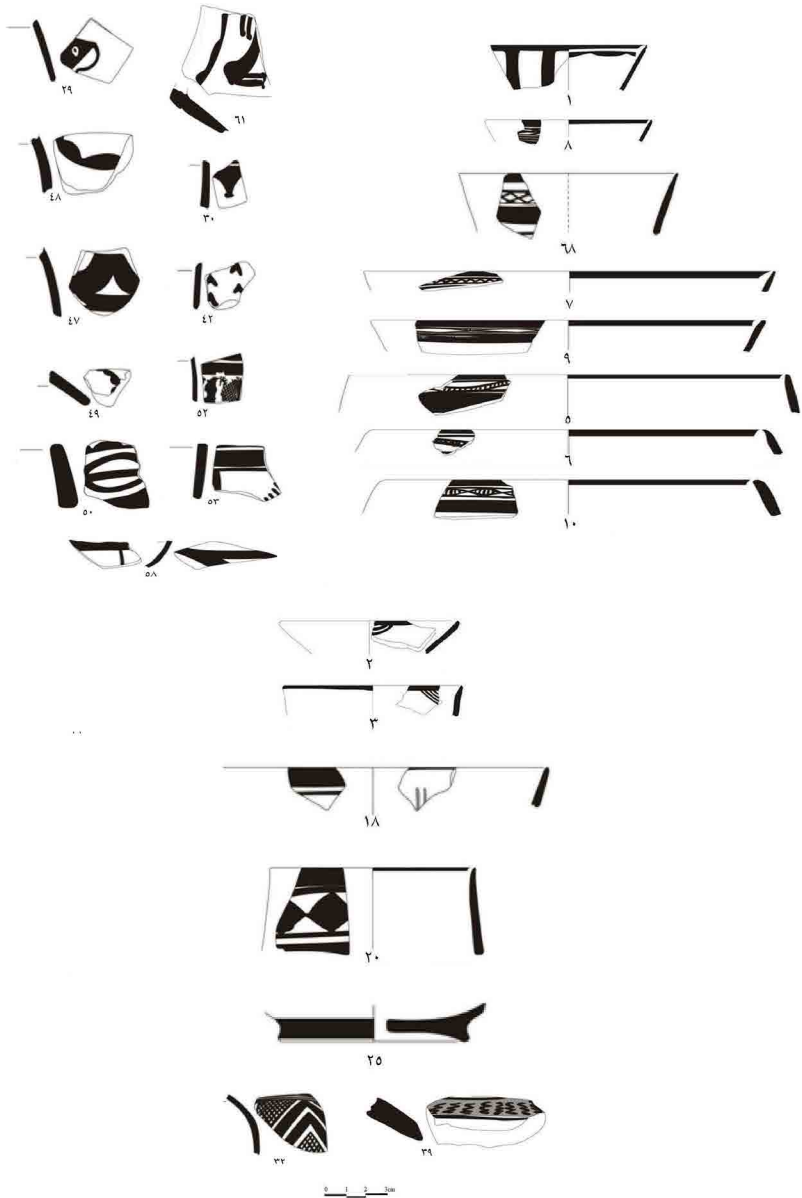
شوشان میانی جدید

سفال‌های مربوط به این فاز در بررسی سطحی تپه و لایه‌های سطحی پیرامون محدوده‌ی کاوش به دست آمده است. گونه‌های سفالی همین فاز عبارتند از: لیوان‌های بلند مزین به نقوش عمودی روی سطح خارجی و دال‌برهایی روی لبه‌ی داخلی، کاسه‌های بزرگ با طرح لوزی‌های هاشور خورده، طرح نردبانی، و طرح زیگزاگی در این مجموعه دیده می‌شود (شکل ۷). طرح‌های موجود بر روی این گونه‌ها، غالباً طرح‌های هندسی است؛ به جز چند نمونه‌ی نادر طرح بز مسبک و احتمالاً سرگاو مسبک - که با نمونه‌های چغامیش و به‌ویژه بندبال قابل مقایسه هستند - نکته‌ی مهم دیگر این که تعدادی از سفال‌های شاخص فاز شوشان میانی جدید را در فاز بعدی محوطه نمی‌بینیم. همچنین در بین مجموعه سفال‌های شاخص گچ‌سنگی، تداوم برخی گونه‌های دیگر سفالگری شوشان میانه را در شوشان جدید نیز می‌بینیم؛ از جمله لگن‌های بزرگ مزین با یک نوار روی لبه همراه با سه ردیف هلال‌های آویزان داخل لبه، کاسه‌هایی با یک یا دو ردیف لوزی‌های توپر که در کنارشان نوارهای متعدد قرار دارد، کاسه‌ها و سبوه‌های نیم‌کره‌ای دارای نقش مثلث‌های بزرگ که با زیگزاگ‌های متقاطع که خود به سه مثلث هاشورزده‌ی کوچک‌تر تقسیم می‌شوند. این طرح نخستین بار در دوره‌ی شوشان قدیم ظاهر و تا فاز شوشان جدید ۲ تداوم و تحول پیدا می‌کند. شباهت‌های سبکی و تکنیکی سفال‌های محوطه‌ی گچ‌سنگی در این فاز، قرابت نزدیکی را با محوطه‌ی کلیدی و مکان مرکزی چغامیش نشان می‌دهد (Delougaz & Kantor, 1996)؛ دوره‌ای که سراسر دشت شوشان، شاهد افزایش جمعیت و به تناسب آن گسترش روستانشینی است.

شوشان جدید ۱

سفال‌های این فاز نیز در بررسی سطحی، لایه‌های سطحی مضطرب کارگاه I و گمانه‌های ۱ و ۲ (پیرامون کوره‌ها) به دست آمده است، وجود این فاز - همانند

فاز قبلی و در صورت تکمیل لایه‌نگاری و کاوش افقی در محوطه- بدیهی است. سفال‌های این فاز به سبب خمیره و پخت عالی مرغوب و دارای آمیزه‌ی شن و در بیشتر موارد بدون شاموت است. سفالینه‌های آن، معمولاً کرم مایل به نخودی است. نقش‌مایه‌های این فاز با همه‌ی تنوع و گستردگی، غالباً هندسی است. شاخص‌ترین نمونه‌ی این گروه، کاسه‌هایی با زاویه‌ی تند در نزدیکی پایه و تعداد زیادی نقطه به منزله‌ی عنصر مکمل نقش‌هاست. این نقطه‌ها که معمولاً همراه با طرح‌های ساده‌ی هندسی و نقش‌مایه‌ی مسبک حیوانات است، در مجموعه سفال‌های گچ‌سنگی به کار رفته است. نمونه‌ی شاخص دیگر در بین سفال‌های گچ‌سنگی، کاسه‌هایی است مزین به دایره‌های هم‌مرکز- که بنا به نظر علیزاده- نشانگر ساعت یا دیسک خورشیدی است (علیزاده، ۱۳۸۲)؛ این کاسه‌ها با چنین



► شکل ۷. فرم‌های شاخص سفالی شوشان
میانی جدید (نگارنده، ۱۳۹۰).

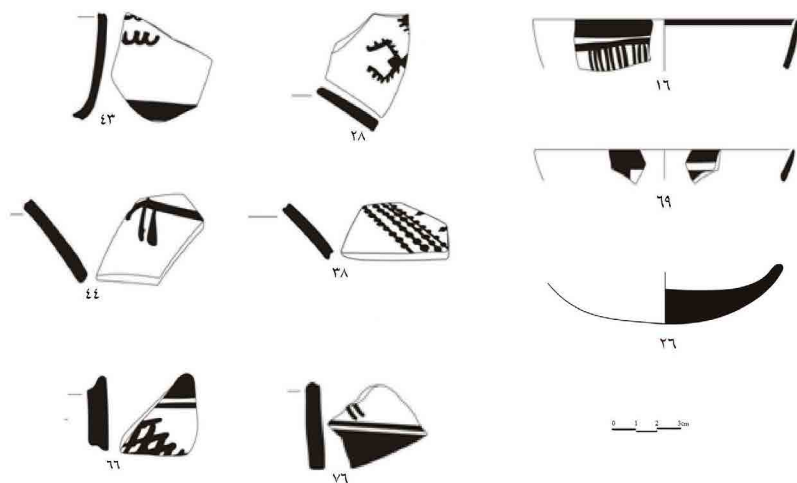
طرح‌هایی به وفور در قبر شیخین نیز رایج بوده‌اند (Weiss, 1976)، (شکل‌های ۷-۸). مشابهت‌های گسترده‌ی سفالی گچ‌سنگی در شوشان جدید ۱ تأییدی بر ارتباط بین مناطق پست و بلند است؛ چرا که سفال‌های این فاز نه تنها در منطقه‌ی شوشان و پس‌کرانه‌های آن -از جمله در محوطه‌های دشت دهلران، رامهرمز و بهبهان قابل مقایسه است- بلکه با دشت‌های میان‌کوهی در مناطق بختیاری و جنوب ایران -با مرکزیت باکون B- نیز شباهت دارند.

شوشان جدید ۲

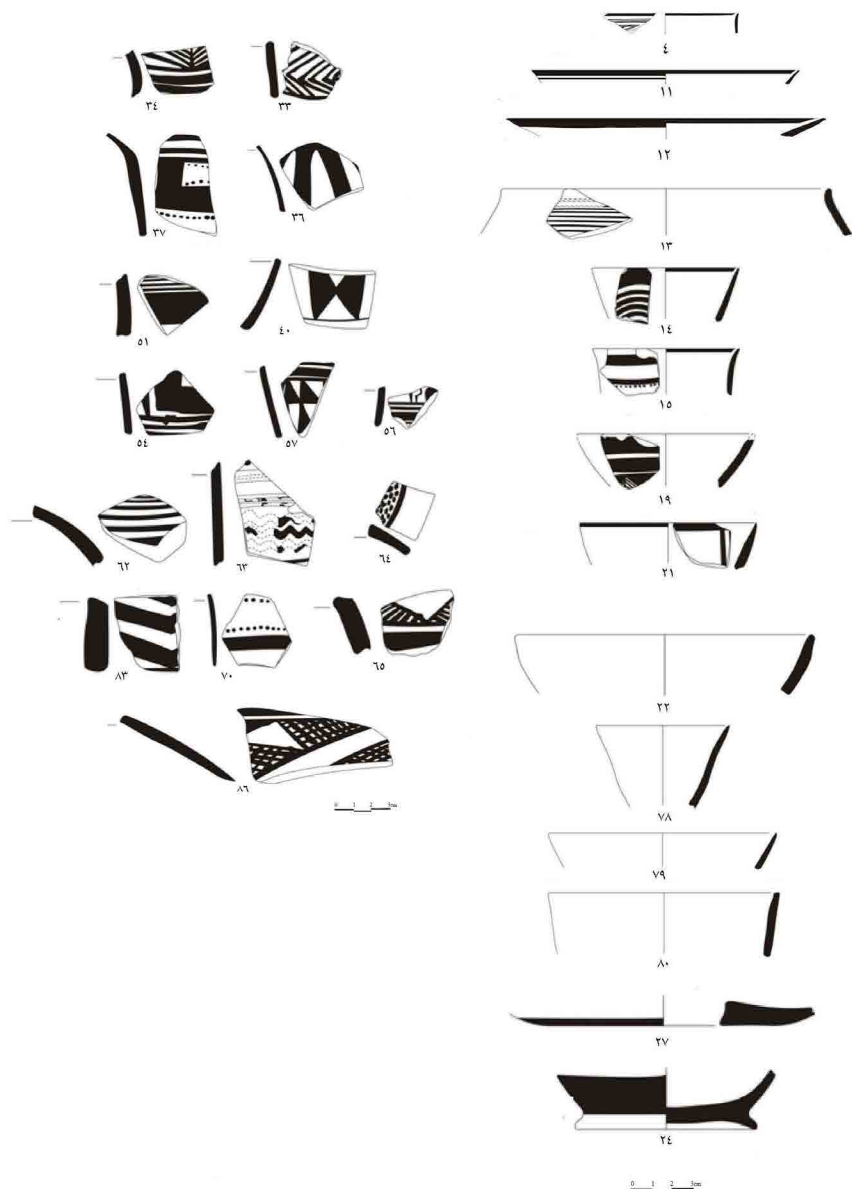
بیشتر نمونه‌های این فاز در بررسی سطحی محوطه، کاوش در کارگاه I و گمانه‌ی پیشرو آن به دست آمده است. سفال‌های شاخص این فاز شامل، لیوان‌های بلند، کاسه‌های باز و نیم‌کره‌ای با طرح‌های متنوع که قابل مقایسه با سفال‌های فاز شوش I، چغامیش و فازهای فوقانی جعفرآباد است، چند قطعه طرح مسبک گیاهی و حیوانی (نقش عقرب) نیز متعلق در این فاز هستند که با نمونه‌های مشابه آن در مناطق مرتفع و باکون الف دیده می‌شوند (شکل ۹).

بحث و تحلیل

این پژوهش، حاصل مطالعه‌ی تطبیقی تعدادی سفالینه‌های شاخصی است که نشان می‌دهد فاز شوشان میانی متأخر در محوطه وجود دارد؛ هرچند در بررسی‌های پیشین باستان‌شناسانی چون هنری رایت (۱۹۶۹) شناسایی نشده بود، وجود چنین فازی در محوطه و همچنین تداوم استقرار بی‌وقفه -از فاز مذکور تا شوش ۲ متأخر- جریان داشته است. هرچند تأیید قطعی چنین فازهایی در محوطه نیازمند تداوم لایه‌نگاری عمودی تا خاک بکر و نمونه‌برداری به قصد لایه‌نگاری مطلق است. مقایسه‌ی نسبی داده‌های سفالی محوطه، در وهله‌ی اول، نشان می‌دهد که هیچ وقفه‌ی زمانی در محوطه -بین فازهای شوشان میانی متأخر، شوشان جدید ۱ و شوشان جدید ۲- وجود ندارد. گفتنی است که شواهد سفالی مربوط به فازهای شوشان میانی متأخر و شوشان جدید ۱ در سطح محوطه و در محدوده‌ی کاوش



شکل ۸. طرح‌های تزئینی شوشان جدید ۲ و ۱ (نگارنده، ۱۳۹۰).



► شکل ۹. طرح‌های تزئینی شاخص، شوشان جدید ۱ (نگارنده، ۱۳۹۰).

(کارگاه I) و لایه‌های سطحی آن - همراه با سفال‌های شوش II (اوروکی) - به دست آمده است. آمیختگی سفالینه‌های لایه‌های سطحی به دلیل ایجاد گورهای متعلق به دوران معاصر است. در محدوده‌ی کاوش (کارگاه I و گمانه‌ی پیشرو آن) تا عمق حدوداً ۱/۲۷ متر از نقطه‌ی ثابت سفالینه‌ها صرفاً از آن شوش II و از متراژ مذکور تا عمق ۲/۹۰ متری، شوشان جدید ۲ همراه با سفال‌های (شوش II) اوروک جدید است. مطالعه‌ی تطبیقی سفالینه‌ها نشان می‌دهد که این محوطه‌ی گچ‌سنگی، نخستین بار در شوشان میانی متأخر در کنار آبراهی طبیعی و باستانی به سبب افزایش جمعیت دشت و پی‌جویی هرچه بیشتر منابع طبیعی در منطقه‌ای ناشناخته شکل گرفت. گفتنی است در همین فاز - شوشان میانی متأخر - و در انتهای شرقی دشت شوشان که - شامل دشت‌های گتوند و عقیلی می‌شود - زیستگاه‌های دیگری



شکل ۱۰. طرح‌های تزئینی شاخص، شوشان جدید ۲ (نگارنده، ۱۳۹۰).

نیز شکل گرفته بودند از جمله: محوطه‌ی KS.152 (چغاناصر) واقع در شمال شهر کنونی گتوند و در دشت عقیلی و در جانب رود شور نیز محوطه‌ی KS.261 (تپه رودنی)، (ر.ک. به: شکل‌های ۳-۴). از میان این زیستگاه‌های سه‌گانه که در کنار آبراهه‌ها شکل گرفته بودند، گچ‌سنگی، به دلیل مکان‌گزینی مناسب، سکونت در آن از نیمه‌ی دوم هزاره‌ی ششم قبل از میلاد تا واپسین مراحل آغاز شهرنشینی (شوش II) تداوم داشت و در دوران آغاز شهرنشینی، این منطقه در مسیر ارتباطی شرق شوشان با مرکز دشت شوشان نیز قرار می‌گیرد؛ به عبارتی می‌توان استنباط کرد با پایان شوشان میانی جدید، محوطه‌های نزدیک به گچ‌سنگی - چون چغاناصر و محوطه‌ی رودنی - نیز متروک و دچار وقفه‌ی زمانی استقرار می‌شوند. این وقفه همزمان است با متروک شدن چغامیش - به عنوان مرکزی بزرگ در حاشیه‌ی شرقی دشت شمال مرکزی خوزستان - و جابه‌جایی زیستگاه‌ها از مرکز به غرب دشت شوشان. عامل این مسأله - بنا به نظر عباس علیزاده - تهدید یکجانشینان دشت‌های رسوبی از سوی کوچگران مناطق بلند زاگرس است، این عامل بیانگر متروک شدن برخی محوطه‌های دشت‌های گتوند و عقیلی نیز می‌تواند باشد. در فاز بعدی و همزمان با شوشان جدید ۱ در پیرامون محوطه‌ی گچ‌سنگی، شاهد شکل‌گیری دو محوطه‌ی دیگر KS.172 (چغاگتوند) و KS.255 (چغامله) هستیم.

0 1 2 3cm

از دشت شوشان و پس‌کرانه‌های آن تاکنون به اندازه‌ی کافی داده‌های سفالی این فاز یافت شده است و همچنین مشابهت‌های سفالی این مناطق با مناطق مرتفع ثابت گردیده که به نظر علیزاده، بعضی از انواع جدید سفال در فاز شوشان جدید ۱ از سرزمین‌های بلند -مخصوصاً فارس- به خوزستان وارد شده است. علاوه بر تداوم برخی نقش‌مایه‌های دوره‌ی شوشان میانی به دوره‌ی شوشان تداوم جدید، برخی نقش‌مایه‌ها از جمله استفاده از نقوش نقطه‌ای که در مجموعه سفال‌های این فاز رایج می‌شود، از فاز باکون B2 و در فازهای گپ و باکون A نیز می‌یابد. این نقش‌مایه‌های نقطه‌ای که احتمالاً در فارس ایجاد گردید، نسبت به دشت شوشان دوام بیشتری داشته است. همین نقش‌مایه، غیر از فارس و دشت شوشان، در لرستان (تپه گیان) و حتی تا فلات مرکزی شناسایی شده که نشانگر توزیع جغرافیایی گسترده‌ی آن است. البته نظر بر این‌که این نقش‌مایه همزمان و یا مستقل و متقدم‌تر از فارس در سایر نواحی فلات ایران بر روی سفالینه‌ها نقش بسته یا نه؟ هنوز تحقیق جامعی نشده است، و ارجاع به پدیده‌ی اشاعه‌ی فرهنگی نیز، پاسخی منطقی به این پرسش به دست نمی‌دهد. در مورد نقش‌مایه‌ی نوارهای زیگزاگی منفرد با تقاطع‌های مثلثی منقسم به سه مثلث هاشورزده نیز باید گفت که این نقش در مناطق پست و بلند رواج داشت. نقش‌مایه‌های چند نواری، لوزی‌های توپُر مزین به بیضی‌های منفی دراز نیز در این طیف قرار می‌گیرند، نقش‌مایه‌ی اخیر که معمولاً در تزئین کاسه‌ها به کار می‌رود، نخستین بار در شوشان میانی ظاهر و سپس در طول فاز شوشان جدید ۱ در سرزمین‌های پست و بلند رایج گردید. این نمونه‌های موجود در فهرست سفالینه‌های گچ‌سنگی ارتباط با سرزمین‌های بلند را نشان می‌دهد. در فاز شوشان جدید ۲ محوطه‌ی گچ‌سنگی همچنان دایر است و در جوانب غربی رود کارون -آن سوی شمال و جنوب گچ‌سنگی- سکونت در چغاناصر (KS.152) و جلکان (KS.171) دوباره شکل می‌گیرد، ولی محوطه‌ی مورد مطالعه در این فاز با مناطق مرکزی و غربی دشت شوشان بیشتر ارتباط داشته است.

نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی تطبیقی مقادیری سفال‌های شاخص تپه گچ‌سنگی که براساس بررسی سطحی و کاوش امکان‌پذیر گردید، نشان می‌دهد که استقرار در آن از فاز شوشان میانی متأخر تا شوش ۲ متأخر بی‌وقفه جریان داشته است. به نظر می‌رسد محوطه‌ی گچ‌سنگی نخستین بار در شوشان میانی متأخر در جوار یک آب‌راه طبیعی باستانی شکل‌گرفته بود. گونه‌های سفالی مربوط به این فاز بیشتر از نوع کاسه‌های بزرگ و لیوان‌های بلند منقش به طرح‌های هندسی است، همین شباهت‌های سبکی و تکنیکی سفال‌ها قرابت نزدیکی را با محوطه‌ی مکان مرکزی چغامیش نشان می‌دهد. همزمان با شوشان جدید ۱ در محوطه‌ی گچ‌سنگی، ضمن تداوم برخی گونه‌ها و نقش‌مایه‌ها، طرح‌های جدیدی ظاهر می‌شود که شاخص‌ترین آن‌ها به نقوش نقطه‌ای معروف است که نشانگر ارتباط محوطه با مناطق مرتفع است. در فاز شوشان جدید ۲ نیز محوطه‌ی مذکور همچنان دایر و گونه‌های سفالی

مربوط به این فاز از نوع لیوان‌ها و کاسه‌های باز منقش به طرح‌های هندسی است که قابل مقایسه با سفالینه‌های محوطه‌های مناطق مرکزی و غربی دشت شوشان است. نتایج مطالعات تطبیقی بیانگر آن است که تداوم یا تغییرات تنها مربوط به تغییر سبک شناختی یا تکنیکی سنت سفالگری نمی‌تواند باشد؛ بلکه نشانگر دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی نیز است.

کتابنامه

- توحیدی، فایق، ۱۳۸۶، مبانی هنرهای فلزکاری، نگارگری، سفالگری، بافته‌ها و منسوجات، معماری، خط و کتابت. تهران: انتشارات سمیرا.
- خسروزاده، علیرضا، ۱۳۹۱، «الگوی استقرار دشت فارس از پیش‌ازتاریخ تا دوران اسلامی». نامورنامه: مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش، به کوشش: حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران: انتشارات ایران نگار، صص: ۱۸۸-۱۶۹.
- درخشی، حسن؛ و ممبئی، محسن، ۱۳۹۰، «مطالعه وضعیت فرهنگی دشت رامهرمز در دوران پیش‌ازتاریخ براساس داده‌های سفالی موجود از تپه سرتولی»، فصلنامه علمی-تخصصی باستان‌شناسی ایران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال اول، پیش شماره‌ی اول، صص: ۹۱-۱۰۴.
- درخشی، حسن، ۱۳۹۰، «گزارش اولین فصل کاوش آموزشی در تپه گچ‌سنگی شهرستان گتوند»، آرشیو پژوهش‌کنده‌ی باستان‌شناسی سازمان میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی کشور (منتشر نشده).
- درخشی، حسن؛ و محمدی‌پور، مولود، ۱۳۹۴، بررسی و مقایسه‌ی سفالی نوع اوروکی در محوطه‌ی گچ‌سنگی (KS.173)، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی میراث مشترک ایران و عراق، به کوشش: سیدصادق حسینی اشکوری، قم: نشر مجمع ذخائر اسلامی، صص: ۶۹-۳۷.
- دلفوس، ژنویو، ۱۳۷۶، «جعفرآباد، جوی، بندبال گامی در پیش‌برد بررسی منطقه‌ی شوشان در هزاره‌ی پنجم و آغاز هزاره‌ی چهارم قبل‌ازمیلاد» شوش و جنوب‌غربی ایران تاریخ و باستان‌شناسی (سیر تکامل اجتماعی و فرهنگی از هزاره‌ی هفتم قبل‌ازمیلاد تا یورش مغول) گزارش گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار بلو، زیر نظر: ژان پرو و ژنویو دلفوس، ترجمه‌ی هایده اقبال، صص: ۳۹-۱۰.
- زاگارل، آلن، ۱۳۸۸، باستان‌شناسی پیش از تاریخ منطقه بختیاری ظهور شیوه زندگی در ارتفاعات. نشر سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان چهارمحال بختیاری.
- زیدی، محسن، ۱۳۹۱، «بررسی باستان‌شناختی مهران و بلوک اناران در شهرستان دهلران، استان ایلام»، نامورنامه: مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش، به کوشش: حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران، انتشارات ایران نگار، صص: ۱۶۸-۱۵۷.
- ساعدموچشی، امیر؛ نیکنمای، کمال‌الدین؛ مشکور، مرجان؛ فاضلی‌نثلی، حسن؛ و فیروزمندی‌شیره‌جنی، بهمن، ۱۳۹۰، «گاهنگاری نسبی و مطلق تپه‌ی کلنان بیجار: محوطه‌ای متعلق به دوره‌ی مس‌وسنگ میانه در غرب ایران»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۱، دوره‌ی ۱، صص: ۵۶-۳۱.

- ساعدموچشی، امیر؛ زمانی دادانه، مرتضی؛ قاسمی، محسن؛ و کریمی، زاهد، ۱۳۹۶، «لایه‌نگاری تپه نمشیر بانه: محوطه‌ای در غرب ایران»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۱۲، دوره‌ی ۷، صص: ۶۲-۴۳.
- مظاهری، خداکرم، ۱۳۹۷، «کال کریم: مدارکی از تولید سفال عبید در شمال غرب پشتکوه مشرف به ناحیه‌ی دیاله»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره‌ی ۱۷، دوره‌ی ۸، صص: ۴۴-۲۷.
- مقدم، عباس، ۱۳۸۳، «گزارش بررسی‌های باستان‌شناختی بخش شرقی رود گرگر (دی‌ماه ۸۲)»، آرشیو پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری کشور (منتشر نشده).
- مقدم، عباس، ۱۳۸۶، «تل ابوچیزان (تل بورچیزوون) در بستر باستان‌شناختی اواخر دوران روستانشینی شوشان بزرگ»، نامه پژوهشگاه میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، شماره‌های ۲۰ و ۲۱، ویژه‌نامه‌ی باستان‌شناسی، صص: ۵۸-۳۵.
- مقدم، عباس، ۱۳۸۸، «گزارش پایانی کاوش باستان‌شناختی آموزشی در تپه مشول ۳ (KS.1617)»، آرشیو پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری کشور (منتشر نشده).
- میری، نگین؛ و زیدی، محسن، ۱۳۸۴، «گزارش گمانه‌ی آزمایشی تپه مشول III (KS 1617)»، در: سلسله گزارش‌های باستان‌شناسی (۸) بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوستر. به‌کوشش: عباس مقدم و همکاران، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری کشور.
- علیزاده، عباس، ۱۳۸۲، الگوهای استقراری و فرهنگ‌های پیش‌اتاریخی دشت شوشان، بر اساس تحلیل مجموعه حاصل از بررسی ف. ج. ل. گرملیزا. ترجمه‌ی لیلا پاپلی یزدی و عمران گاراژیان، نشر پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی معاونت پژوهشی سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
- علیزاده، عباس، ۱۳۸۷، شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان. نشر سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان چهارمحال بختیاری.
- علیزاده، عباس، ۱۳۸۳، منشأ نهادهای حکومتی در پیش‌اتاریخ فارس، تل باکون، کوچ‌نشینی باستان و تشکیل حکومت‌های اولیه. ترجمه‌ی کوروش روستایی، نشر سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری: بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد.
- علیزاده، عباس، ۱۳۹۱، «روند پیچیدگی اجتماعی و سیاسی در جهان عیلامی»، مجله پیام باستان‌شناسی، سال نهم، شماره‌ی هفدهم، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، صص: ۱۰۲-۸۷.
- علیزاده، کریم، ۱۳۸۱، «معرفی روش ثبت و ضبط اشیاء (سفال و سنگ ابزار) در یک روش باستان‌شناختی»، مجله باستان‌پژوهی، شماره‌ی نهم، صص: ۱۰-۴.
- علی‌یاری، احمد؛ و طلائی، حسن، ۱۳۸۴، «تحلیل ساختاری نقوش سفالی نوسنگی شمال غرب ایران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۲-۱۷۳، دوره‌ی ۵۶، صص: ۷۷-۶۱.
- طلائی، حسن، ۱۳۸۴، هشت هزار سال سفال ایران. تهران: انتشارات سمت.

- Alizadeh, A., 2003, *Excavations At Prehistoric Mound Of Chogha Bounut Khuzestan, Iran*. Oriental Institute Publications 120, Chicago: Oriental Institute.
- Dollfus, G., 1971, "Les fouilles a Djaffarabad de 1969 a 1971". par. *Caheiers de la Delagation archaeologique francaise en Iran (DAFI) 1*: 17-162.
- Dollfus, G., 1978, "Djafarabad, Djowi, Bandebal: contribution a l'etude de la Susiane au Ve millenaire et au debut du IVe millenaire". *Paleorient 4*: 141-167.
- Dollfus, G., 1983a, "Tepe Djowi". *Caheiers de la Delagation archaeologique francaise en Iran (DAFI) 13*: 17-131.
- Delougaz, P. & Kantor, H., 1996, *Chogha Mish, Volume I, The First Five Seasons of Excavations 1961-1971, Part 2: Plates*, edited by Abbas Alizadeh, The oriental institute of the university of Chicago. Illinois.
- Dittmann, R., 1984, *Eine Randeben des Zagros in der Frijhzeit: ergebnisse des Behbahan-Zuhreh surveys*. Berliner Beitrage zum Vorder Orient. Band 3. Dietrich Reimer. Berlin.
- Egami, N. & Sono, T., 1962, *Marvdasht II: The Excavations at Tall-I Gap 1959*, The Yamakawa publishing Co.LTD.: Tokyo
- Haerinck, E. & Overlaet, B., 1996, *The Chalcolithic Period Parchinah and Hakalan, The Excavations in Lurestan, Pusht-ei Kuh(1965-1979)*. Brussels: Royal Museum of Art and History.
- Hole, F.; Flannery, K. & Neely, J., 1969, *Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain, An Early Village Sequence from Khzistan, Iran*, Memoirs of The Museum of Anthropology University of Michigan, Number 1, ANN ARBOR
- Langesdorff, A. & McCown, D. E., 1942, *Tall-I Bakun A: Season of 1932*. Oriental Institute Publications 54. The University of Chicago Press. Chicago.
- Le Brun, A., 1971, "Les Documents Epigraphiques de L'Acropole (1969-1971)". *Caheiers de la Delagation archaeologique francaise en Iran (DAFI) 1*: 235-245 & Figs
- Moghaddam, A. & Miri, N., 2003, "Archaeological Research In The Mianab Plain of Lowland Susiana, Southwestern Iran". *IRAN*, XL1, pp: 99-137
- Steve, M. J., & Gasche, H., 1971, *L'Acropole De Suse, Memoires De La Delegation Archaeologique en Iran*, Tome LXVI, paris
- Wiess, H., 1976, *Ceramic for Chronology: Discriminant and Cluster Analysis of Fifth Millennium ceramic Assamblages from Qabr Sheykheyn, Khuzestan*. Doctoral thesis published by University Microfilms International. Ann arbor.
- Wright, H. T., 1981, *An Early Town on the Deh Luran Plain: Excavations at Tepe Farukhabad. Memoirs of the Museum of Anthropology 13*. University of Michigan. Ann Arbor,
- Wright, H. T.; Naomi Miller, J.; Neely, A. & Richard W. R., 1999, "A Late Susiana Society in Southwestern Iran", *The Iranian World, Essays On Iranian Art and Archaeology*, Presented To Ezat O. Negahban, Edited by Abbas Alizadeh, Yousef Majidzadeh, Sadegh Malek Shahmirzadi, pp: 64-79, Iran University Press
- Wright, H. T., 1969. *Archaeological Survey in the Areas of Ram Hormoz, Shushtar, and Gutwand: A Final Report to the archaeological Service of Iran, Unpublished Manuscript*. Tehran: Iranian Center for Archaeological Research.